

پیشنهاد کرد که تمام قشون از ارایه های خود پیاده شوند و یکمرتبه بطرف خندق و حصار حمله کنند . پیشنهاد او با تشریح تمام سر کرد کان تصویب شد و سپاه تراویه پنج قسمت تقسیم گردید که هر قسمتی بریاست رئیس قسمت حمله نماید فقط آسیوس (۲) به پیشنهاد پلیداماس موافقت نکرد و بخيال میدان جنگ همان طوری که عوار ارایه بود حمله کرد و کشته شد بقیه قسمت های سپاه تراویه حمله کردند و چون بمدخل حصار رسیدند دو نفر از دلاوران یونانی بمقابله آنها آمده و در انجا شجاعانه بجرح دادند که از حد تعریف و وصف خارج است . هکتر زد و خورد میکرد و جو میرفت تا بمدخل حصار رسید همین که خواست وارد شود در میسر سپاه تراویه کسی ظاهر شد که مادر زنده ای در جنگ داشت پلیداماس رنگش پرید و خلسه دگرگون شده بیاز ایستادن جنگ ادامه کرد هکتر او را تکویش نمود . رای او را زد . یونانیها مقاومت کردند و از جای خود عقب تر نرفتند و حمله کنندگان را سخت تیر باران نمودند آژاکس بزرگ و آژاکس کوچک در میان یونانیها و سریدون (۳) و کلوکوس در میان تراویه ها بسی خونریزی کردند و پیش از دیگران دلاوری خود را نشان دادند ولی عاقبت کلوکوس مجروح شد و فرار نمود و سریدون به تنهایی باقی مانده حصار را شکافت و منفذی برای ورود

قسمت خودش درست کرده و چون خواست وارد شود
 آژاکس بزرگ با او مصاف داد و جاوگیری کرد. در
 آنموقع عده کشتگان از شماره بیرون رفت. ژوپتر
 از تروا دستگیری نمود و هکنتر از افواج خودسوا شده
 سنک عظیمی یکی از مدخل های حصارزد و انرا خرد
 کرده با سپاه خود وارد سنگر و حصار بوئانی ها گردید
 و بقدری آنها را دبیال کرد که ناگزیر به کشنی هنی خود
 پناه بردند

سرود سیزدهم

بیکار چهارم

ژوپتر هکنتر را یاری کرد تا هکنتر بکملک و توفیق
 خدای خدایان با انصار و اعوانش بایستگاه سفین یونان
 رسیدند و جنگ تن به تن سخت در گرفت. تروانی ها از
 پیشرفت خود دلیر گردیده و بوئانیها از شکست خود بسی
 پریشان و متزلزل شدند و بسیار تلفات دادند. نیتون رب
 النوع دریا از شکست بوئان آزاده خاطر شد و برترزلزل
 و اضطراب سران سپاه یونان ترحم و رافت کرده بطوری
 که ژوپتر مانعت نشود بشکل کمشاس غیب تگو بر آژاکس
 بزرگ و آژاکس کوچک نازل گردید و آن دو نفر دلاور
 بوئانی را برانگیخت که عذن ثبات و مقاومت را از کف
 ندهند و با قوم خود از هکنتر و پیشرفت او معانعت کنند
 سپاه یونان بگرد آژاکس بزرگ گرد آمده و سپاه تروا

سخت حمله کردند و جنگ بزرگ و خونینی نمودند تا طاقت از هکترو پارانج جلوگیری کردند . هکترو مجروح شد و از استقامت کشتی های یونان دور گردید و پس آمفیماک (۱) که یکی از سلاطین یونان بود در آن گیر و دار کشته شد .

نپتون از کشته شدن این پهلوان مکتور و خشمگین گردید و در این بار بصورت توآس (۲) بر ایدومنه (۳) هیوط کرد و او را برای مقابلهت خصم و انتقام تهنیت نمود ایدومنه شوق صلاح شد و با اتفاق مریون (۴) راننده ارابه اش بسخت مسیره سپاه عزیمت کرد . آژاکس بزرگ و آژاکس کوچک در قلب لشون مشغول پیکار بودند و هر دو سپاه بندر اشتغال داشتند . شماره مقتولین افوج فوج رسید . ژوپیترا از تروا و نپتون از یونان دستگیری میکرد . روز قهرمانی و شهامت ایدومنه رسیده بود این دلاور قهار سخت غضبناک بود بهر طرف که روی مبارد سیل خون جاری میکرد شمشیر برنده او بسی سرها را بی تن کرده بسی پهلوانان و جنگ آوران تروائی را بخنک و خون غافلند . سپاه تروا تب مقاومت نیاوردند و از مقابل آن جنگجوی بی باک فرار کردند . کفه فتح یونان میخواست سنگینی کند . نقطه هکترو در جای

(۱) Amphimachus (۲) Thoas (۳) Idomenee

(۴) Merion

خود ایستاده بود و در برابر فشار و هجوم دشمن پایداری و ثبات خود را نشان میداد یونانیها خواستند آخرین ضربت را باره وی حریف وارد سازند لهذا در همان موقعی که نروائیهها میخواستند بمیدان جنگ پشت کنند دسته فریاندان یونانی آنها را تورا باران کردند پلیدا ماس چون این حال بدید و وحامت امر را فهمید سران سپاه را جمع کرد تا از آنها پرسش نماید که صلاح در صبر و مقاومت است یا تسلیم و هزیمت . هکتر گفت برای من مردن بهتر است تا فرار . من مقاومت میکنم تا کشته شوم . آنگاه در صفوف سپاه خود رفت و آنها را بجنگ تحریص و ترغیب نمود و برادرش پاریس را سخت عتاب کرد که چرا رعب سپاه یونان را در دل جای داده است . نکوهش هکتر در پاریس تاثیر کرد و هر دو تن فروغ آسائی کشیده بمیدان جنگ وارد شدند و بار دیگر نئور کارزار گرم شد و « چندان شریوی اژدو سپاه بر خاست که ژوینر در طارم فلك صدای آن را شنید »

سرود چهاردهم

حیله ژونن بشوهرش ژوینر

در اردوگاه یونان نستر بیرستاری . (ماعاوون) که مجروح گگردیده بود اشتغال داشت ، هیاو و گیرو دار جنگ بگوش او رسید ، از خیمه بیرون آمد ، منظره ای

پس هونانگ دید . آکامعن ، اولیس ، دیومد همه زخم بر داشته و در مهم جنگ مشغول شور بودند . آکامعن رای داد که چون زویتر سپاه دشمن را باری میکنند بهتر است که پیش از این مقاومت ننموده و به یونان مراجعت کنیم . اولیس رای اوراناصواب دانست و سخت بر آنضقت . دیومد رای داد که باید بساحت اتل روی آورد امید آن که چون در میان سپاه باز گردند آتش عبرت و حمیت آن‌ها افروخته شود این رای پسندیده شد و دلاوران مجروح بعیدان نبرد باز گردیدند . نیتون بصورت یکنفر سپاهی سالخورده بر آکامعن نازل شد . او را بر سر نشاط و اقدام در آورد . سپاه یونان مقاومت کردند . ژونن از اینکه شوهرش ژویتر ترورار کعلک و پوزی میزند مشوش و مضطرب بود و برای پیدا کردن راه چاره حیلہ ای بنظرش رسید . پس کمر بند زهره را بجزیت گرفت و خودش را زینت و آرایش کرده بجزیره لئیس (۱) فرود آمد و از « خواب » که برادر مرثه بود خواهش کرد بر او منت گذارد و چشمن ژویتر را خواب آورده سازد خواب گفت کیست که بتواند بر خدای خدایان این جسارت را نماید و این حیلہ را نسبت بوی معمول دارد . ژونن ابرام و التماس کرد و گفت ژویتر چندان علاقه مند بآردوی تروا نیست بالاخره « خواب » رام شد و از مقر خود بسوی انمپ عزیمت نموده باهستگی در یکی از